

به نام یزدان پاک

نمایشنامه کمدی ازدواج به سبک ننه قمر  
نویسنده حدیث سیرجانیان

کاراکترها:

قمرخانم

گوزل

اشفته

عصمت

عفت

کبری

حسن کچل

غلوم علی

صحنه:

یک خانه قدیمی که روی دیوارش چندین عکس سیاه و سفید خنده دار است . در گوشه ای از اتاق دبه های ترشی و در گوشه ای توالت است چیدمان این خانه عبارت است از :مبل راحتی-رادیو-فرش کهنه یا پتو قدیمی ،سماور و تشتی که در آن ظرف شسته میشود

(صحنه اول – قمر خانم و دخترش گوزل )

-گوزل بیا اینجا ببینم

-هوم ؟

- هوم و هوم هومک هوم و هندونه هوم .....

-هلو

-ببینم لولو تو باز پشت لب تو خلوت کردی با قیچی؟بزنم فکتو بیارم پایین؟

-نه .... نه به جونه ننه

-به جونه عمه ی قزات ببین منو دختر یه بار دیگه ببینم سیبیلاتو برداشتی اینجوری دستتو میشکنم که تا عمر داری بهت بگن گوزل سیبیل چلمنگ

-ننه ... ننه... غلط کردم ننه بیجا کردم ننه بچه گی کردم ...

- (بو میکشد)خلاصه دیگه نگم دختر اینقدر دست تو سکو صورتت نیار اگر خدا صلاح بدونست بهت قیافه میداد چیتا نیاز به اینکارها نیست

-چشم ننه منکه کاری نکردم . شما یه نگاه به دخترهای در و همسایه بنداز همه اصلاح کردن و هفت قلم ارایش

-ای کاردی تو اون دلت بخوره این ها همش از بی صاحابیه مگه ما جوون نبودیم .... همین خودم تا شبه عروسیم یه شامپو صابون نزدم .....

- پس چی میزدی به سرت ننه

-گل میزدم .میدونستی تا قبل عروسی نم خدایامرز تو خونه منو با داییت حمزه اشتباه میگرفت؟

- دروغ

-دروغگو همون عمه چشم تخمکیتیه ..... بزار..... بزار الان عکسمو نشونت میدم .....بیا اینم قمررر خوشگلللال محل سالللال ۱۳۴۵

- وای خدایاااااااااااا نگاه سیبیلش(میخندد)

- و مرضضضضضض نخذد دختره ی بی معنی تو چه میدونی اونموقع ها برای دختر سیبیل از حجاب هم واجبتر بود

-(می خندد)

- بده عکسمو خرابش میکنی ..... اون موقع که ما جوون بودیم کسی جرات نداشت تو رو مادرش بخنده چنان با پشت دست میخوابوندن تو دهنش که دندوناش یکی در میون بریزه

-وایییی ننه فکر کنم اون دوسه تا دندونت واسه تو دهنی که خوردی افتاده

-چیزی گفتی؟

- نه ... نه ...

-خب بلندشو قشنگ این استکان ها رو بشور تا منم یه چورتی بزخم خیلی خسته

-چشم

-(داد میزند)بلندشو دیگه

(استکانها را در تشت میشورد)

-ننه



-حسن کچل!

-وایسا ورپریده خودم درو وا میکنم ..

بیوشون شراره های آتش رو شاید نگاهش از لای در بهت بیافته (درب را باز میکند)

-بفرمایید حاج حسن خیر باشه از اینورا!

-سلام خاله قمرشرمنده توروخدا

ما دیشب تا دیر وقت تو کوچه داشتیم فوتبال بازی میکردیم من ناخواسته یه شوت زدم توپ افتاد تو خونه ی شما

-واقعا که تاسف اوره خدایامرزقنبر هم سن شما بود یه محله رو نون میداد اونوقت تو با این شکمه گندت و کله کچلت و مدرک دکترای تقلبیت هنوز توپ بازی میکنی. بیخود نگفتن مردها یا روی سرشون خالیست یا توی سرشون خاله من صبح ها.....

- بروکارکن مگو کار چیست (در محکم میندد)

- خاله جان درو باز کنید من براتون توضیح میدم

- میخوام توضیح ندی کمپه

-ننه درو باز کن این رفتارها زشته بخدا

-هان تو چرا دایه مهربون تر از مادر شدی حالا؟ اصلا به تو چه

-خب ننه طرف دکتره یه محله! زشته این رفتارو باهش میکنی اون همیشه بدردمون خورده

- گوزل خوب اون گوشای بل بلیتو وا کن ببین چی میگم فقط یکباره دیگه  
ببینم بگی انجام درده و اونجام درده ببرینم دکتر .... موهاتو از ریشه در میارم

-الان که فکرش میکنم راستم میگیا ننه به من چه ربطی داره دفعه دیگه تو  
شوت کردن توپ دقت کنه

- بلندشو دبه ها رو بیار اینقدرم حرف نزن مغزم اب شد از دستت تا منم بگردم  
توپه این نره غولو پیدا کنم

- قمرخانم

- چقدر حرف میزنی تو .... ترشیتو بنداز

- منکه خودم ترشیدم ترشی واسه چیه

-چی گفتی

-میگم چشم دهنمو میبندم

-احسنت....اجرکم عندالله

(درب حیاط به صدا در می اید-گوزل به سمت در میرود)

-چادرتو سر کن بی حیا

-کیه؟

-مامور برقم

-ننه میگه ماموره برقم درو وا کنم یانه

- خب بگو منم ترشی سازم .... به من چه

-قبض برقتونو اوردم

-قبض برق؟ درو وا کن ازش قبض بگیر

-چشم ننه ..... اه ننه قبضو گذاشت و رفت

-...خب دخترم واکن ببین چقدر نوشته من که سواده درست حسابی ندارم

-اخ خوب شد که گفتم من چندروز پیش تو صندوقچه چندتا نامه فدایت شوم و فوق العاده عشقولانه پیدا کردم انگار از طرف شما به اقا جون بود ننه شما که سواد نداشتی چطوری اینقدر دل و قلوه میگرفتین....

-تو غلط کردی رفتی سره صندوقچه بعدشم اشتباه شده حتما مال عمت بوده

-نه نه من مطمئنم مال شما بود بزار الان میارمش

-تو بیجا کردی دختره ی بیشعور وایسا ببینم دمه پیری این وصله ها ناجور رو به قمر میچسبونی!

(گوزل از صحنه خارج میشود قمر خانم به دنبال او با رن بوکس میدود - رو به عکسه شوهرش میکند)

خدا نیامرزتت قنبر این بچه جن چی بود انداختی به جونه من... تو هر سوراخی سرک میکشه .... بخدا اگر گیرش بیارم جفت گیساشو میگیرم و میکشم . دختره ی فضول حالا دیگه کارت به جایی رسیده که صندوقچه خاطرات منو دست میزنی بی پدر.....

هوف برم مسکنمو بیارم بزخم بلکه اروم بشم

(قلیون میکشد - بعد از چند دقیقه زن باردار همسایه وارد میشود)

-هااا.....اشفته خانم باز که پیدات شد خیره..

-نگران نباش اینبارو اومدم بهت سر بزنم و برم موقع زایمانم نیست اون  
۱۱ بارم اتفاقی بود

-ماشالله بزنم به تخته (به سرش میزند) یه جینم شده.. خدقوت دلاور!

-ننه قمر تو دلت مثل کله ات خالیه واسم به درگاهه خدا دعاکن این یکی بچه ام  
پسر باشه

-که چی بشه

- حاجیمون سه تا بز نذر سید حسین کرده وقول داده ۶تا النگو برام بگیره...ننه  
قمر؟ اینجاییییی؟.....الوو... حواست کجاست؟.....ای بابا

منو باش سفره دلمو پیش کی باز کردم ! بهتره بلندشم برم خونه الانه که جوجه  
هام بیدارشن

(خارج میشود- افکت صدایی دمپایی کهنه پلاستیک کهنه .....سه نفر زن  
همسایه قلیون به دست و با چادر وارد میشوند)

عصمت خانم:بشتابید بشتابید خبر دارم خبر خبر دارم خبر

عفت خانم:خب خبرتو بگو

عصمت خانم :بگم؟

عفت خانم:بگو

عصمت خانم :بگممم؟

کبری خانم :هوم بگو



عصمت خانم: بیگگگگگگگگگگگ؟

قمر خانم-میگی یا این نی قلیون فرو کنم تو حلقت !  
عصمت خانم -اصلا حالا که اینجوری گفتی نمیگم

همگی: اههههههههههه

عصمت خانم: دختر میش مندلی با پسره ارشک پا به فرار گذاشته

ننه قمر: عاااa

همگی: نوچ... نوچچچچچچچچچچچ

ننه قمر: اون موقع که ما جوون بودیم دختر جرات این غلطها نداشت

کبری خانم: ااره والله...

عفت خانم: فهمیدین کلثوم کچه رفته دکترای شهر لنجشو (لبشو) باد کرده؟

ننه قمر: بوی روزگار سیاهم اینکارا یعنی چی

عصمت خانم: ننه قمر انگار تو باغ نیستیااا

ننه قمر: کدوم باغ



ننه قمر: اگه گيرت بيارم .... (سعی میکند از جای خود بلد شود اما مانع او میشوند)

عفت خانم: بگيرين اين پيرزن رو الان سخته میکند

(ننه قمر تا چند دقیقه از حال می‌رود-گوزل وارد صحنه می‌شود)

-ننه غلط کردم ننه ..... ننه بیجا کردم ننه گو خوردم پاشووووو (گریه میکند)

- (مچ دستش را می فشارد) نخور گوزلی نخور.... ننتو خر فرض کردی اره؟

-ننه مگه چیکار کردم .... ولم کن ایییی درد داره

- کی بود هر روز میگفت ننه اینورم درده ننه اونورم درده به بهونه درد و

مرض میرفت قرار ملاقات با حسن کچل هان؟

همگی: وایااااا ..... پناه بر خدا

گوزل: ننه کپتو ببند ابرو برام نداشتی تو درو همسایه ها

ننه قمر: این با من بود؟

همگی: اره .... با تو بود ...

(ننه قمر بلند میشود چند فیگور میگیرد گوزل با سرعت از صحنه خارج

میشود-بقیه به دنبال او میروند -در تاریکی صدای دعوا به گوش میرسد-بعد

از چند ثانیه نور آرام آرام می آید-گوزل اب قند هم میزند)

- ای مردم بدبخت شدم ... ای مردم بیچاره شدم.... ای مردم ابروم رفت (غش

میکند-اب قند میخورد)

- ای خدا ابروم رفت ای خدا سرافکنده شدم

(غش میکند -اب قند میخورد)

-ننه

-سکوت

-دورت بگردم

-سکوت

-دردت به قلبم

-آمییبیبیبین

-چته خب؟چرا قهر کردی

-سکوت

-ننه !به خدا زشته این رفتارها

-همینی که هست

-قمرخانم کوتاه بیا

-خیلی خب اما شرط داره

-چه شرطی؟(با ذوق ) هر شرطی باشه قبول

-اول باید خودم شوهر کنم

-چی؟چی گفتی!؟

-همینکه شنفتی

-اخه چطور دلت میاد بعد این همه سال به بابام خیانت نکنی

- (اداشو در میاره)خیانت چیه دختر ! اون که هفت تا کفن پوسونده. بعدشم من میخوام بعد تو تنها نشم و افسوس نخورم وگرنه خودت میدونی من علاقه ای به ازدواج مجدد ندارم تا همین دقیقه هم کلی خواستگار داشتم

-کو کجان؟

-بهشت زهرا

-افسوس چیه ننه؟اصلا میایم با خودت زندگی میکنیم چطوره هان؟

-نه.نه.نه . اینجوری نمیشه . از قدیم گفتن نخود نخود هرکی رود خانه شوهره خود!



-پس دیگه مشکلات چیه

-اخه خواستگار از کجا پیدا کنم !شوهر کجا بود

-اهان هوووووم هزار یکم فکر کنم

-بی فایده است خودم میدونم اخرش پیر دختر میشم

-اهااa

-چه فکری

-بیا تا بهت بگم

(در گوشی حرف می زنند-اهنگ زیر صدا تا دو دقیقه)

-فکرتم بدک نیستا

-پس پاشو بریم کلی کار داریم (هر دو خارج میشوند -نور میرود -اهنگ یار

مبارک بادا پخش میشود -نور می آید -گوزل درحال ترشی انداختن است و

قمر خانم روی مبل لم داده)

-گوزی دخترم

-بله

-بیا سببیلامو بردار

-به روی چشم ننه

-بکش اما خوشگلم کن ...

-اه

-بکش اما خوشگلم کن ...

- هزار کارمو کنم اینقدر این جمله رو تکرار نکن

-هوم هوم هوم

-باز چیه

-میشه یه چیزی بگم

-بگو

-بکش اما خوشگلم کن

-ننه! کلاقم نکن!

(بعد از یک دقیقه عفت وارد میشود)

-ارایشگاه گوزل ... لولو بیار هلو ببر

-بیبیم این با من بود؟؟

-چیزه بدی نگفت که میگه هلو بیار لولو ببر ...

-نخیرم من خودم شنیدم گفت لولو بیار هلو ببر....

-نه من گفتم هلو بیار لولو....

-نه تو گفتی لولو بیار هلو ببر

(درگیری میشود)

گوزل-ننه .... عفت ... زشته به خدا ... یک روز مونده تا عروسی دارین دعوا میکنین؟ خجالت نمیکشین شما دوتا

قمر- بیا دخترم به کارمون برسیم من از قدیم ادم حسود دورم زیاد بود دیگه  
برام عادیه

عفت-اخه به چیه تو حسودی کنم پیرزن!

قمر-خدایا مارا از چشم بد در امان به دار .... دشمنان مارا کور .... زبانشان را  
لال .. پایشان را شل....(عفت همزمان ادا کور -لال-شل در می آورد)

عفت-اینم دیگه رد داده زده به سرش ،خواستگار ندیده ...

قمر-هه خانم اونموقع که شما هنوز تشکیل نشده بودی و تو کمره....

گوزل-اه ... ننه ...

قمر-من یه گردان خواستگار داشتم

عفت - خب کوشون !

- رفتن جنگ همشون ناپدید شدن.. (گریه میکند)

(گریه میکنند-گوزل ضبط را روشن میکند اهنگ میرن ادم ها پخش میشود

هر سه گریه میکنند )

قمر-دخترم عوضش کن روحیم خراب شد دل و دماغ عروسی ندارم دیگه (اب  
بینی اش را میگیرد)

-باشه ننه

(عفت هوق میزند)

قمر-زهر حلال

(گوزل اهنگ پیرهن صورتی میگذارد -بشکن میزنند .نور میرود-اهنگ قطع  
میشود)

قمر-تیر تو چشمتون بخوره اخه الان چه وقت قطع کردن برق بود!

-خب تا برقها نیومده بریم دم حیاط رو جاروب کنیم

-بریم

(اهنگ یار مبارک بادا-صدای کل -نور آرام آرام می آید -گوشه ای از سالن  
عفت عصمت و کبری ایستاده اند نقل و نبات می پاشند -گوزل و مادرش  
شنل سفید پوشیده اند جوری که صورتشان مشخص نیست همراه با دو داماد  
وارد صحنه میشوند و روی مبل مینشینند زن های همسایه پشت سرشان می  
ایستند و قند و ... می سابند )

گوزل-قمر خانم بلندشو اشتباهی پیش داماد من نشستی

قمر-وا

زن های همسایه -گونی گونی پشگل حسن کچل خوشگل گونی گونی پشگل  
غلام علی خوشگل

(ننه قمر بد نگاه میکند)



زن های همسایه —یه گونی پشگل آوردیم دخترتونو بردیم  
قمر-ساکتنتت

(صدای عاقد از بیرون صحنه می اید)

-با اجازه شروع میکنم ... النکاح سنتی ....

(قمر خانم گریه میکند)

گوزل-چته

قمر-طاقت دوریتو ندارم

گوزل-هیسسسس ابرومونو نبر ...

قمر-باشه تحمل میکنم ...

-دوباره شروع میکنم ...

النکاح سنتی و.....

قمر-نهههه نمیتونم....

گوزل —ببخشید یه لحظه صبر کنید . قمر خانم یه دقیقه بیا کارت دارم

قمر-هان؟ چیه

گوزل-این کارا چیه میکنی اخه

قمر-بده جلو این کچله کلاس میزارم

گوزل-میخوای خواستگارت بپره

قمر- ای قلبم ... ای قلبم ..

گوزل —پس تا بعد از جاری شدن عقد چیزی نگو

قمر-دخترم

گوزل —بله ... بله ...

قمر- اگه نقشه هامون نقشه براب شد چی ؟اگه ولم کرد چی !

گوزل-نفوس بد نزن ! وقتی بفهمه کار از کار گذشته  
قمر-خیلی خب بریم دیگه..... آقای عاقد شروع کنید ...

(بعد از خواندن صیغه عقد قمر خانم شنل را از سرش در می آورد داماد که او  
را میبیند از تعجب سگته میکند )

پایان

زمستان ۱۳۹۷

مطابق قانون هرگونه کپی برداری یا اجرا بدون مجوز نویسنده پیگرد قانونی  
دارد

۰۹۱۷۰۱۵۷۴۲۳ شماره تماس با نویسنده

به رسم ادب و احترام این نمایشنامه تقدیم میشود به استاد عزیز و مهربانم  
جناب آقای حسن سالارمنش